

آغاز یک بازی مافیایی جدید در شبکه نسیم

مسابقه «شهروند و مافیا» در فصل جدید هم از شبکه نسیم روی آنتن می‌رود. این مسابقه به تهیه‌کنندگی علیرضا سلطانی، کارگردانی محمد رجایی و با اجرای علیرام نورایی که تا فصل شانزدهم از شبکه سلامت سیماپخش می‌شد؛ در فصل هفدهم از شبکه نسیم روی آنتن رفت. فصل هجدهم این مسابقه هم پس از چهار سال تولید، با اعمال تغییراتی در بخش سناریو و فرم

معروف سریال های تلویزیونی

ماندگار شدند

در فرهنگ سازی جامعه دارد. چه بسا که حتی برای برخی نوجوان ها می‌تواند الگوسازی هم کند. از مومن آثار خود داشته باشند. به خصوص حساسیتی که باید نویسنده ها در نگارش فیلمنامه و به راحتی الگو می‌پذیرند و گاهی از رفتار و کلام کاراکترها هم تقلید می‌کنند. اغلب در مکالمه های هستند که در گذشته دیده ایم.

که مردم هر شب به تماشای سریال می‌نشستند و روز بعد از تکیه کلام های بازیگران در محاورات و رفته رفته وارد فرهنگ و زبان و ادبیات ما شد. در این گزارش نگاهی به مجموعه هایی داریم که دم قرار گرفت و حتی امروز هم عده ای از آن تکیه کلام ها استفاده می‌کنند. پس اگر برای تان مرور ما باشد.

مهمان ناشناخته



«زی‌زی گولو آسوی پاسی درازکوتاه تابه‌تا» وردی بود که یک موجود ناشناخته در مجموعه «قصه های تابه‌تا» می‌خواند و یکباره همه چیز تغییر می‌کرد. هیچ‌کس فکر نمی‌کرد سحری که زی زی گولو زیر لب می‌گوید و بسیار هم سخت است بتواند تا این حد بین مردم مخاطب پیدا کند و وارد فرهنگ گفتاری مردم شود اما این موضوع آن قدر مورد توجه بچه ها و بزرگ‌ترها قرار گرفت که ورد زبان‌شان شده بود و زیر لب می‌خواندند. از طرفی خانواده جمالی که در همسایگی آقای پدر قرار داشتند هم با خطاب قرار دادن همدیگر سوزه طنز بیننده ها شده بودند. لحنی که رضا فیاضی برای همسرش اعظم خانم به کار می‌برد یا مریم سعادت برای آقا جمالی به شدت بین مردم جا افتاده بود.

یک ساختمان پزشک



«واقعاً؟؟؟؟» از آن تکیه کلام هایی است که تا مدت ها وقتی یک نفر به کار می‌برد هر کسی را به یاد خانم شیرزاد در مجموعه «ساختمان پزشکان» می‌اندازد؛ شخصیتی که نماد سادگی و به اصطلاح خنگی در سریال ها بود. مجموعه ای که در آن شایق دهقان با بازی در نقش یک منشی ساده لوح و جیج جیغو، تکیه کلامش در ذهن مخاطب ماند. همچنین در این سریال تکیه کلام «اساسا» نیما افشار با بازی بهنام تشکر هم مورد توجه قرار گرفت و تا مدت ها ورد زبان همه بود. این مجموعه از آن دست آثاری بود که شخصیت هایش ماندگار شدند.

ماجرای پدرشوهر و عروس



«افتنا؟؟؟» تکیه کلام داریوش ارجمند در سریال «ستایش» بود که خیلی زود توانست بین همه رواج پیدا کند و در مکالمات روزمره از آن استفاده کنند و به یکی از تکیه کلام های معروف تبدیل شود. اصلاً اگر خاطراتن باشد حشمت فردوس و ادبیاتش در این سریال حساسی گل کرده بود و جملاتی که به کار می‌برد، به دلیل خاص بودن و تأثیرگذار بودنش مورد توجه بیننده ها قرار گرفته بود. مثلاً در جایی که می‌گفت: «حتی اگر پیش خدا هم بودی، مادرت زنگ زد یاس جواب بدی» یا «من عادت کردم غصه هر اتفاق بدو یه دفعه بخورم نه تمام عمر.»

از اول بهمن ماه روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت ۲۱ از شبکه نسیم روی آنتن خواهد رفت.
راوی اول مسابقه شهروند و مافیا در ابتدا بهنام تشکر بود اما به دلیل همزمانی این مسابقه با پروژه های دیگر این بازیگر از فصل دوم علیرام نورایی جایگزین او شد و تاکنون در ۱۷ فصل به عنوان راوی حضور داشته است.
شهروند و مافیا مسابقه ای است که در آن، شخص با

آزمون و خطا برای شناسایی نقش اشخاص دیگر تلاش می‌کند. در این مسابقه اشخاص به صورت پنهانی میان دو گروه آگاه و ناآگاه و دو دسته مافیا و شهروندان تعیین نقش می‌شوند و اکثریت شهروند این فرصت را پیدا می‌کنند تا اشخاص مافیا را شناسایی کرده و برای حذف آنها رأی دهند. فصل اول مسابقه شهروند و مافیا مهر ۹۸ پخش شده است.



ماجرای باجناق ها

«بی وفایی/ بی وفایی/ دل من از غصه داغون شده» ترانه ای بود که مدام توسط بامشاد با بازی رضا شفیعی جم در مجموعه «نقطه چین» تکرار می‌شد و خیلی زود سر زبان ها افتاد و همه درباره اش صحبت می‌کردند. شفیعی جم در سریال «شب های بره» نیز تکیه کلامی داشت که رواج پیدا کرده بود و هنوز هم عده ای از آن در محاوره روزمره استفاده می‌کنند. «پول زور وده» ادبیاتی که در این سریال خیلی زود مورد توجه مردم قرار گرفت. شفیعی جم در سریال «جایزه بزرگ» و بازی در نقش کامبیز باغی هم توانسته بود «چی داداش؟» را با لحن لاتی که در بازی اش داشت، تبدیل به تکیه کلام کند.



سفر به مالزی

«حالا چی بیوشم؟» حتما این دیالوگ را به یاد دارید که در سریال «خانه به دوش» گفته می‌شد. همان سریالی که آقا ماشالا با بازی حمید لولایی برای یک ماه مالزی سفر کرد. حالا چی بیوشم. دیالوگ آناهیتا همتی در نقش نرگس بود که وقتی صحبت از مهمانی رفتن به میان می‌آمد آن را به کار می‌برد و در پاسخش هم مادرش، ناهید با بازی مریم امیرجلالی با خشم توأم با طنز و کمدی لباسی را که خودش به تن داشت، نشان می‌داد و می‌گفت: اینو بیوش. این دیالوگ خیلی گل کرده بود و همه درباره اش صحبت می‌کردند. البته این سریال دیالوگ دیگری هم داشت که مدت ها بین مردم رواج داشت و آن هم دیالوگ حمید لولایی در نقش آقا ماشالا بود که وقتی علی را دید، گفت: «عه علیه علی؟»



پاچه خواری برای رئیس

«من چی کاره بیدم»، «نفس من بیدی» حتما این جملات را به خاطر دارید که جواد رضویان در مجموعه «پاورچین» در نقش داونه به خصوص در اداره به کار می‌برد و حساسی هم کل کرده بود. از طرفی در این سریال کلمه «پاچه خواری» به قدری بیان شد که کم‌کم وارد ادبیات ماشد و هنوز هم پس از سال ها که از پخش ابتدایی این سریال می‌گذرد، وقتی کسی می‌خواهد درباره خودشیرینی کارمند نسبت به رئیسیش سخن بگوید، از این کلمه استفاده می‌کند. در این مجموعه سحر زکریا هم حضور داشت و موجود خیالی به نام «یاس منگولا» را سر زبان ها انداخت که مدام در اشعارش از آن استفاده می‌کرد. جالب تر این که داونه و فرهاد، پدرانی داشتند که با گویش برره ای صحبت می‌کردند و یکی از معروف ترین تکیه کلام های شان «کار نداری بری بهیمری» بود. البته در این مجموعه هر شخصیتی چند تکیه کلام داشت که همگی رواج پیدا کرده بود. نکته جالب، حضور یک رفتگر بود که با دیدن فرهاد می‌گفت: «عبده آقا فرهاد. عبیدی نمیدی؟»



نگاه

تکیه کلام، حاصل تعامل بازیگر و نویسنده است

و محبوب می‌شود و بعد دیالوگ هایی که به کار می‌گیرد و رفتاری که دارد. مثل سریال «پایخت» که من نویسنده فصل های ۳، ۴ و آن بودم. گاهی پیش می‌آید نویسنده ها طراحی خاصی برای تکیه کلام ها نمی‌کنند و این بازیگر است که از خلاقیت خود در طول سریال استفاده می‌کند. با این که بازیگر از دل فیلمنامه کلامی را انتخاب و مال خود می‌کند و آن کلمه بین مردم رواج می‌یابد، بنابراین به نوعی تعامل بازیگر و نویسنده است که باعث این اتفاق می‌شود. این نویسنده با ذکر مثالی در این باره توضیح می‌دهد: در سریال پایخت خاطرهم هست آقای خمسه «الکی میکه» را به کار برد و این تکیه کلام گرفت. یا این که احمد مهرانفر در سریال پاینتخ ۳ و ۴ گفت چه تکیه کلامی به کار ببرم که رواج پیدا کند؟ بعد با توجه به این که خارج از کشور رفته بود از «وات تو دو، وات نات تو دو» استفاده کرد. بنابراین یک زمانی پیشنهاد از درون متن است و گاهی در تعامل بازیگر این اتفاق می‌افتد.



چه با مزه گفتیم!

معمولا تکیه کلام های مجموعه های طنز زودتر از کارهای دیگر بین مردم رواج پیدا می‌کند. مثل مجموعه «نون خ» که در سه فصل تولید شد و تکیه کلام های برخی کاراکترهای اصلی اش خیلی زود سر زبان ها افتاد. از جمله ، دیالوگ هایی که نورالدین خانزاده با آن گویش شیرین کردی بیان می‌کرد و همین‌طور کیوان و سلمان. جالب این که غیر از تکیه کلام، نوع بازی بازیگران این نقش ها هم به یادماندنی شد. از جمله ماهی گرفتن سلمان وسط رودخانه یا موهای کیوان که آن را در باد حرکت می‌داد و ... این مجموعه حتی در فصل دوم که به روزنه کرمانشاه می‌پرداخت هم فضای شیرینی داشت.



برای دیدن گزارش تصویری کیو آرکد را اسکن کنید

رسانه

شنبه ۱ بهمن ۱۴۰۱ ۱۴۰۱ شماره ۶۴۱۲

زاویه دید

اما و اگرهای تکیه کلام های تلویزیونی



سپیده شرفی گروه رسانه

زبان بهترین روش برای ماندگاری محتواست. اصلاً برای همین هم پایه گذاری شده تا بتوانند محتوای مسود نظر را برای نسل های بعد نگه دارد. در این میان، محتواهایی که قرار است برای نسل های بعد ماندگار یا به یک اثر مانا تبدیل شود از طریق همین زبان و کلمات است که می‌تواند شکل بگیرد و در دهان ها بچرخد. تکرار هر کدام از این کلمات می‌تواند به یک تأکید مؤکد تبدیل شود و بخشی از زبان و کلام روزمره را حفظ کند. از همین منظر هم می‌توان به تکیه کلام های تولیدات تلویزیونی و سریال ها نگاه کرد؛ چرا که اهمیت دوچندانی دارند؛ البته این مسأله را از دو منظر می‌توان مورد بررسی قرار داد. نکته اول ماندگاری مخاطب پای این تولیدات است. درست وقتی مخاطب احساس کند می‌تواند بخشی از ادبیات قابل درک خود را در این تولیدات ببیند، جذب آن شده و همین روشی برای حفظ مخاطب می‌شود. نکته دیگر تکرار اصطلاحاتی است که در این مجموعه ها دیده می‌شود که خود می‌تواند به یک درک مشترک میان مخاطب و مجموعه تلویزیونی تبدیل شود. به همین دلیل وجود تکیه کلام ها در تولیدات تلویزیونی اهمیت بسیاری دارد.



در حقیقت این تکرار کلمات است که می‌تواند مخاطب را با اصطلاح های مربوط به سریال کرده و آن را در ذهن ها ماندگار کند. درست مانند کلماتی که از سال ها قبل در سریال هایی مثل شب های برره یا پاورچین مطرح می‌شد و به مرور جای خود را میان مردم کوچه و بازار باز کرد. حتی کودکان در حال بازی کردن در خیابان را هم می‌دیدیم که در حال تکرار تکیه کلام های این سریال بودند. البته پاورچین و شب های برره تنها سریال هایی نبودند که این تکیه کلام ها را داشتند. مثلاً در مجموعه ستایش هم تکرار یک کلمه باعث شده بود بازی داریوش ارجمند در ذهن مخاطبان ماندگار شود. به طور کلی همین تکرار است که می‌تواند ارتباط میان مخاطب و پیام را به خوبی برقرار کند، البته ذکر این نکته هم ضروری است که یکی از ترفندهای ماندگاری پیام به خصوص در ژانر طنز، تکرار است. تکرار همین کدها که در قالب تکیه کلام بیان می‌شود، طنز و محتوای طنزانه را ماندگار می‌کند. البته یک مسأله را باید مورد توجه قرار داد که اگر تکرار کلمات به شکل مصنوعی باشد یا به ضد خود تبدیل شود، نتیجه عکس داشته و مخاطب را از مجموعه ساخته شده، فراری می‌دهد. نباید فراموش کرد مخاطب تلویزیون متنوع و در عین حال هوشمند است. هم خوب می‌تواند تحمیل کلمات به خود را احساس کند و هم اگر با اصطلاح های استفاده شده در سریال احساس نزدیکی نکند، به راحتی آن را پس می‌زند. البته همان طور که گفته شد، مخاطب تلویزیون متنوع است و همین مسأله، دست نویسندگان برای اعمال تکیه کلام های خاص را حداتی بسته و آنها را ناچار می‌کند در یک چارچوب مشخص حرکت کنند. به طور کلی باید به ملاحظات استفاده از این کلام خاص، توجه کرد تا به ضد خود تبدیل نشود و در نهایت بتواند مخاطب را با مجموعه همراه کند. آنچه که در مجموعه هایی مثل ستایش و پاورچین دیده می‌شود، به قانده بودن این اصطلاحات است که در نهایت توانست مخاطب را با خود همراه و به یک تماشاگر وفادار تبدیل کند. نمونه این محتواها می‌تواند برای تولیدکنندگان و افرادی که قصد دارند یک محتوای غنی به مخاطب تلویزیونی ارائه کنند، راهگشا بوده و آنها را در رساندن به یک مجموعه مناسب هدایت کند.

قاب



سیما

خانواده های همسایه

«این اعصاب منه» دیالوگ پرستو با بازی بهنوش بختیاری در مجموعه «چارخونه» بود که وقتی عصبانی یا ناراحت می‌شد، دستش را می‌لرزاند و این جمله را به کار می‌برد که از همان زمان پخش این سریال به تکیه کلام تبدیل شده، حساسی بین مردم رواج پیدا کرده بود و با تکرار حرکت این بازیگر در سریال، فضای کمدی بین مردم ایجاد شده بود



و پایین دیالوگ شوخی می‌کردند. بختیاری در این سریال دیالوگ دیگری هم داشت. او عروسی که در این سریال به نام شاسخین داشت. جالب تر این که عده ای عروسک هایی را با همین نام به فروش می‌رساندند و از شهرت این سریال و شاسخین به نفع خود بهره برداری می‌کردند. این سریال تلویزیونی داستان زوج میانسالی به نام منصور جمالی (حمید لولایی) و شکوه (مریم امیرجلالی) بود که با دو دختر و دامادشان در مجتمعی آپارتمانی زندگی می‌کردند. از قسمت ۲۲ (دقیقه ۲۸) با ورود شنبه رسید جواد رضویان. کارگر به ظاهر افغان و ماندگار شدن او در چهارخونه، داستان روند جذاب تری را به خود گرفت، طوری که مشخص می‌شود که حامد (رضا شفیعی جم) داماد بزرگ خانواده نیز هم ولایتی شنبه بوده و نام واقعی او چهارشنبه است.

دریچه

هفته نامه ورشکسته



«دپیچیتالم کجا بود؟» یا «نمی دونم چی چی حافظا ...» یا حتی «کشتی عن قرب به گل نشسته» دیالوگ هایی بود که آقای کاووسی با بازی زنده یاد فتحعلی اویسی در سریال «بدون شرح» می‌گفت. او صاحب یک هفته نامه بود و مدام ماجراهایی برایش اتفاق می‌افتاد. در کنارش امیر جعفری هم حضور

داشت که نقش فرید، دامادش را بازی می‌کرد که وقتی می‌خواست از چیزی تعریف کند، می‌گفت: «خوب چیزه آقا خووووووب». اینها تکیه کلام هایی بود که بر سریال ها افتاد. کاووسی مدام به همکاریاش غر می‌زد و اطلاعات ناقصی از ضرب المثل ها و اشعار داشت و همین موقعیت طنز ایجاد می‌کرد. اویسی در سریال «کمربند ها را ببندیم» هم خودش و هم همکاریاش مدام از «ملکی ایرلاین (مال)» استفاده می‌کردند و لحنی که در بیان این واژه ها داشت، باعث شد تا مدت ها سوزه مخاطبان این سریال شود. بدون شرح برای بستر قصه دفتر یک نشریه را انتخاب کرده بود. اگر نگاهی به آثار تلویزیون داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که تا به امروز چند بار محور قصه سریال ها در دفتر نشریه گذاشته اما این سریال نگاهی طنز به این موضوع داشت.